

پنج به علاوه ۵ صفر

۰ نگار پدram

کتاب‌های درخور توجهی نیستند. برخی از آن‌ها به سفارش مؤسسه یا ناشر خاصی نوشته شده و یا نویسنده برای گذران زندگی، ناگزیر کتابی نوشته است.»

وی می‌افزاید: «تعداد عناوین کتاب‌های دینی کم است و اگر این کتاب‌ها را با کتاب‌های کارتون‌ی یا ترجمه شده مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که سهم کمی از کتاب‌های چاپ شده، به موضوع دین اختصاص دارد. از طرفی، در میان همین محدود کتاب مذهبی، کتاب‌های نازل بسیاری وجود داشت. به همین علت، بخش اعظم کتاب‌های جمع‌آوری شده، در مرحله اول داوری کنار گذاشته شد.»

حافظی یکی از اهداف کتاب سال را شناسایی کتاب‌های منتشر شده، دانسته و معتقد است: «زمانی که یک کتاب به عنوان کتاب سال انتخاب می‌شود، موافقان و مخالفان این سؤال را مطرح می‌کنند که چرا این کتاب انتخاب شده است؟ پاسخ به این سؤال، خود به خود تحرک فرهنگی ایجاد می‌کند که می‌تواند یکی از اهداف کتاب سال باشد. هم‌چنین، انتخاب کتاب سال نشان می‌دهد که در چه حوزه‌هایی می‌توان فعالیت کرد و یا در چه زمینه‌هایی کم‌تر کار شده و لازم است بیشتر به آن توجه شود.»

حافظی با بیان این که امسال، انتخاب یک کتاب سال و کتاب تشویقی در بخش ادبیات دینی کودکان و نوجوانان، تا حدودی اهداف کتاب سال را محقق کرده است، می‌گوید: «معمولاً در هیچ جای دنیا، انتخاب کتاب برتر به این معنا نیست که حرف آخر زده شده باشد. کتاب سال در واقع، ایستگاهی است که در آن، با بررسی و انتخاب کارهای برتر، نگاهی به پشت سر و پیش رو افکنده می‌شود تا حرکات بعدی با وقوف و تحرک بیشتری همراه باشد.»

سیدعلی محمد رفیعی نیز بحث آسیب‌شناسی داوری را در کتاب سال مطرح کرد و فرآیند داوری را این‌گونه شرح می‌دهد: «در مرحله گردآوری آثار، باید کاری کرد که تمام کتاب‌ها گردآوری شوند؛ یعنی داوری براساس تمام کتاب‌های منتشر شده باشد، نه این که فقط کتاب‌های رسیده به دبیرخانه مورد بررسی قرار گیرد.»

وی می‌افزاید: «یکی دیگر از مشکلاتی که در نحوه داوری وجود دارد، برگه‌های داوری است. در این برگه‌ها، عناصر، ضوابط و پارامترهایی تعیین شده که ممکن است در کتاب به طور واضح مشخص نشده باشد. برای مثال یک رمان، فهرست منابع و مأخذ ندارد، اما ممکن است در برگه داوری، چند نمره به داشتن این فهرست، اختصاص داده

بیست و یکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، در حالی برگزار شد که هنوز ضرورت اهدای جایزه کتاب سال کودک و نوجوان، مورد بررسی قرار نگرفته است. براساس شنیده‌ها، امسال با تغییر مدیریت دبیرخانه کتاب سال، بحث حذف کتاب‌های کودکان و نوجوانان از گردونه رقابت بزرگ‌ترین جایزه ملی کتاب ایران، مطرح شده بود.

با وجود این، امسال، کتاب‌های کودکان و نوجوانان در پنج گروه شعر، داستان، علوم، دین، علوم انسانی و هنر، بررسی شد که نتیجه آن انتخاب ۴ کتاب سال و سه کتاب تشویقی در این حوزه بود.

«آشنایی با صنعت چاپ»، نوشته اسماعیل دمیرچی، «روز خشم»، نوشته مرحوم سینا علوی، «کوله‌پشتی‌ات کجاست؟»، سروده عرفان نظراهراری و «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها»، نوشته شکوه قاسم‌نیا، برگزیدگان بیست و یکمین دوره کتاب سال، در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان بودند.

«هزار پا» نوشته داوود غفازادگان، «کلاغه به خونه‌ش نرسید»، سروده افسانه شعبان‌نژاد و «سرانجام صالحان»، نوشته نادر فضلی، به عنوان کتاب‌های تشویقی ادبیات کودکان و نوجوانان، معرفی شدند.

هم‌چنین امسال، برای اولین بار، برگزیدگان کتاب الکترونیکی نیز معرفی شدند که در گروه کودکان و نوجوانان، کتاب الکترونیکی «گل‌های بهشت»، تولید شده توسط بنیاد علوم و معارف اسلامی، برنده کتاب سال و «صبا»، تولید شده در دفتر تحقیقات یاسین رایانه، کتاب الکترونیکی درخور تشویق شناخته شد.

از سوی دیگر، در این دوره، کتاب‌های دینی کودکان و نوجوانان، به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت.

علیرضا حافظی، سرگروه بخش کتاب‌های دینی کودکان و نوجوانان، درباره داوری کتاب‌ها در این گروه می‌گوید: «داوران این دوره، از نویسندگان سابقه‌دار ادبیات دینی هستند و برخی از آن‌ها بیش از ۳۰ سال تجربه نویسندگی در حوزه ادبیات دینی دارند و از کارشناسان این حوزه محسوب می‌شوند.»

وی درباره کیفیت کتاب‌های مورد بررسی، اظهار می‌دارد: «بعد از سال‌ها بحث و گفت‌وگو درباره ضرورت آموزش مبانی دین به کودکان و نوجوانان، متأسفانه کتاب‌های منتشر شده، آن‌چنان که انتظار می‌رود،



حسین فتاحی، سرگروه بخش کتاب‌های داستانی کودکان و نوجوانان، درباره وضعیت کتاب‌های تألیفی منتشر شده در سال جاری می‌گوید: «کتاب‌های منتشر شده امسال، از کیفیت بهتری نسبت به کتاب‌های سال گذشته، برخوردار بودند. هرچند تعداد کتاب‌های با ارزش، راضی‌کننده نبود، نسبت به پارسال که بیشتر کتاب‌ها ترجمه بود، کتاب خوب وجود داشت. بنابراین،

ما «خبرالموجودین» را انتخاب کردیم؛ یعنی از کتاب‌هایی که در سال ۸۱ منتشر شده‌اند، بهترین کتاب را معرفی کردیم. شاید انتخاب این کتاب، با اهداف کتاب سال فاصله داشته باشد. ولی به نظر گروه داور، کتاب منتخب بهتر از سایر کتاب‌های منتشر شده بود.»

منوچهر اکبرلو، مسئول گروه کتاب‌های علوم انسانی و هنر کودکان و نوجوانان، درباره نحوه داور این کتاب‌ها می‌گوید: «در مرحله اول، کتاب‌هایی که به دبیرخانه کتاب سال ارسال شده‌اند، مورد داور اولیه قرار گرفت و برخی از آن‌ها، مانند کتاب‌های رنگ‌آمیزی و کارتونی، از داور حذف شد. ما کتاب‌هایی را که ارزش خواندن داشتند، برای بررسی انتخاب کردیم. در مرحله دوم، کتاب‌ها تقسیم‌بندی شد و هر داور فرصت داشت طی ده روز، یک سری از کتاب‌ها را مطالعه و نظر خود را اعلام کند و عاقبت، کتاب‌هایی را که حداقل یک نفر به آن‌ها امتیاز بالاتر از ۹۰ داده بود، برای داور نهایی جمع‌آوری کردیم که تعداد این کتاب‌ها ۳۳ عنوان بود. در مرحله نهایی، حدود ۱۲-۱۳ عنوان کتاب باقی ماند و در جلسه‌ای عمومی، درباره این کتاب‌ها بحث و گفت‌وگو شد و در نتیجه، یک کتاب را به عنوان کتاب سال انتخاب کردیم که چون با کتاب‌های دیگر فاصله زیادی داشت، کتاب تقدیری نداشتیم.»

وی اهداف کتاب سال را تشویق فعالان عرصه کتاب و الگو دادن به دیگران دانسته و معتقد است: «در بررسی کتاب‌ها برای انتخاب بهترین آن‌ها، باید شرایط بازار نشر را نیز در نظر گرفت. در بخش نظری، ممکن است کتاب خوب را به گونه‌ای تعریف کنیم، ولی در عمل، چون بازار نشر کتاب بیمار است، این تعریف مصداق عینی پیدا نمی‌کند. در این بازار آشفته، ناشر به دنبال کتاب‌هایی است که فروش خوبی داشته باشد. در نتیجه، تعریف کتاب خوب، در چنین بازاری تغییر می‌کند.»

اکبرلو می‌افزاید: «در این دوره اهدای جایزه کتاب سال، کتاب‌های خارجی خوبی در حوزه علوم انسانی و هنر داشتیم، اما چون نمی‌توانستیم به مؤلف اصلی کتاب جایزه دهیم، این کتاب‌ها را از مراحل داور حذف کردیم. این مسئله نیز به وضعیت بازار نشر مربوط می‌شود. برای مثال، ما اصلاً کتاب‌های تألیفی که هنر را به گروه سنی «الف» و

شده باشد یا ممکن است در یک کتاب غیر رمان، منابع در متن کتاب ذکر شده باشد. بنابراین، برگه‌های داور باید با محتوای اثر هماهنگ باشد.»

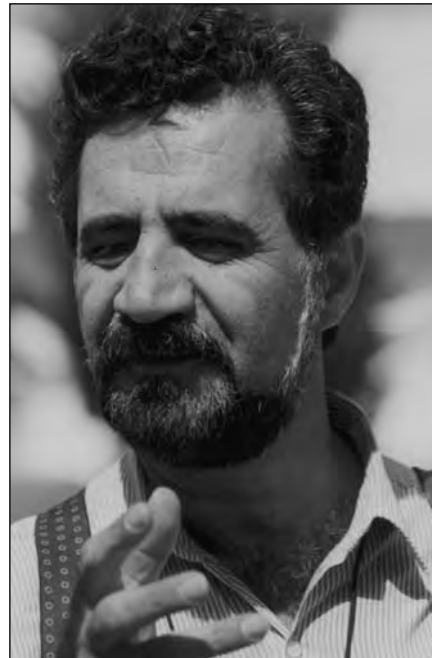
این نویسنده و روزنامه‌نگار، ضوابط تعداد آرای داوران را یکی از مشکلات قابل طرح در مورد کتاب سال می‌داند و معتقد است: «اگر مثلاً در هر گروه ۵ داور، کتاب‌ها را بررسی کنند و ضابطه این باشد که با پنج رأی یک کتاب بالا بیاید، اگر یکی از داوران، به دلیلی شخصی به اثری رأی ندهد، کتاب موردنظر به مرحله بالاتر نمی‌رسد. در نتیجه، ممکن است حق نویسنده ضایع شود. بنابراین، بهتر است ضابطه مثلاً ۳ رأی از ۵ یا ۴ رأی از ۷ رأی، ملاک انتخاب کتاب باشد. همچنین داوران باید نگاه درستی به کتاب داشته باشند و سلیقه خود را در انتخاب کتاب دخالت ندهند.»

رفعی هم‌چنین، نادیده گرفتن برخی قوانین و ضوابط انتخاب کتاب سال را مایه برخی تبعیض‌ها توصیف می‌کند و می‌گوید: «قرار بوده است به مجلداتی از مجموعه کتاب‌هایی که هنوز به طور کامل منتشر نشده‌اند، جایزه تعلق نگیرد. در حالی که متأسفانه، امسال و حتی برخی سال‌های گذشته، یک جلد یا جلدی از برخی مجموعه‌هایی که مشخص نیست چند جلد خواهد بود، به عنوان کتاب سال انتخاب شده‌اند. در مقابل، آثاری وجود داشته که هرچند دارای ویژگی‌های مثبتی بودند، چون به طور کامل منتشر نشده بودند، از داور نهایی حذف شدند.» مصطفی رحماندوست، سرگروه بخش شعر کودکان و نوجوانان، درباره ملاک‌های داور در این دوره از کتاب سال، می‌گوید: «در مرحله نهایی بررسی کتاب‌های شعر امسال، ۲۳ کتاب مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام، یک کتاب سال و یک کتاب تقدیری انتخاب شدند که برگزیده شدن این کتاب‌ها، حاصل اشتراک عقیده ۵ داور است. شاید اگر گروه داور تغییر می‌کرد، کتاب دیگری انتخاب می‌شد؛ چون ذوق و سلیقه داوران متفاوت است. به هر حال، در داور این کتاب سال یک سری اصول اولیه وجود دارد که داوران آن اصول را پذیرفته‌اند.»

رحماندوست با بیان این که شعر کودکان دچار ایستایی و رکود شده، اظهار می‌داند: «خوشبختانه، امسال چند اتفاق تازه در حوزه شعر کودکان و نوجوانان رخ داده است. من سال گذشته در داور کتاب سال حضور نداشتم، اما کتاب‌های منتشر شده را دیدم و فکر می‌کنم پارسال نیز می‌توانستیم کتاب سال شعر داشته باشیم. حتماً سلیقه داوران این‌گونه بوده است.»

وی که تاکنون دو بار جایزه کتاب سال را کسب کرده و در ۵-۶ دوره به عنوان داور، در جریان اهدای جایزه کتاب سال حضور داشته است، درباره تحقق اهداف کتاب سال می‌گوید: «به نظر من با انتخاب این دو کتاب، به هدف کتاب سال رسیده‌ایم؛ چرا که کتاب سال، انتخاب بهترین کتاب همان سال است و ما نیز از بین کتاب‌های منتشر شده سال، بهترین‌ها را انتخاب کردیم. البته، شاید در مقایسه با کتاب‌های منتشر شده سال‌های گذشته، چندان عالی نباشند.»

حافظی:
بعد از سال‌ها
بحث و گفت‌وگو
درباره ضرورت
آموزش مبانی دین
به کودکان و نوجوانان،
متأسفانه کتاب‌های
منتشر شده،
آن چنان که
انتظار می‌رود،
کتاب‌های
درخور توجهی نیستند.
برخی از آن‌ها
به سفارش مؤسسه
یا ناشر خاصی
نوشته شده و یا
نویسنده برای
گذران زندگی،
ناگزیر کتابی
نوشته است



رحماندوست:
به نظر من با انتخاب
این دو کتاب،
به هدف کتاب سال
رسیده‌ایم؛
چرا که کتاب سال،
انتخاب بهترین کتاب
همان سال است
و ما نیز از بین
کتاب‌های منتشر شده
سال، بهترین‌ها را
انتخاب کردیم.
البته، شاید در مقایسه
با کتاب‌های منتشر
شده سال‌های گذشته،
چندان عالی نباشند

«ب» آموزش دهد، نداشتیم. اگر در این زمینه کتاب خوبی هم وجود داشت، ترجمه کتاب‌های خارجی بود. متأسفانه، نویسندگان ما برای این که کتاب‌شان را به چاپ برسانند، راه ساده‌تری را انتخاب می‌کنند. مثلاً چند نقاشی می‌کشند و به بچه‌ها می‌گویند که این نقاشی‌ها را رنگ کنند. در حالی که نویسنده یا هنرمند، باید پس از چند سال کار با بچه‌ها، به یک الگوی مشخص و غیرتقلیدی برسد.»

وی در مورد انتخاب کتاب سال بخش هنر و علوم انسانی این دوره می‌گوید: «گروه داور، در انتخاب بهترین کتاب امسال، شرایط بازار نشر را در نظر گرفته و فقط در مقایسه با تولیدات امسال، یک کتاب را برگزیده است. بنابراین، نباید این کتاب را با کتاب‌های برگزیده سال‌های گذشته

مقایسه کرد. چرا که سال گذشته نیز در بخش کتاب‌های علوم انسانی و هنری، کتابی انتخاب نشد و به همین دلیل و برای جدی‌تر شدن تولید کتاب‌های کودکان و نوجوانان، امسال انتخاب کتاب سال را لازم دانستیم. از طرفی، ممکن بود سال‌های بعد، بحث بررسی کتاب‌های کودکان و بزرگسالان، در یک گروه مطرح شود. در این صورت، با توجه به نوع کار، هیچ‌وقت کتاب‌های ارزشمند مربوط به کودکان و نوجوانان، نمی‌توانند با کتاب‌های بزرگسالان برابری کنند.»

وی یکی از نواقص کتاب سال را عدم حضور تمام کتاب‌های منتشر شده در مراحل داور، عنوان کرده و معتقد است: «در کتاب سال، آثاری که به دبیرخانه ارسال شده و یا در خانه کتاب ثبت شده باشند، بررسی می‌شوند. در حالی که ناشران دولتی مانند نشر تربیت، مدرسه، سروش، سوره و... مجوز نشر دارند و برای چاپ کتاب‌های‌شان، از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قدام نمی‌کنند. بنابراین، کتاب‌های منتشر شده توسط این ناشران معمولاً، به دست داوران نمی‌رسد؛ مگر آن که برخی از نویسندگان، ناشران را به دبیرخانه بفرستند و چون بازار فروش این دسته از کتاب‌ها، به گونه‌ای است که بعضی از آن‌ها وارد بازار فروش نمی‌شوند، همیشه این شبهه وجود دارد که ممکن است تعدادی از کتاب‌های منتشر شده، از دید داوران دور بماند. لازم است با برنامه‌ریزی درست، همه آثار منتشر شده را به دست داوران رساند و مورد بررسی قرار داد.»

سرگروه بخش کتاب‌های علوم انسانی و هنر، همچنین معتقد است: «ما دو نوع جایزه برای کتاب داریم: جایزه کتاب سال و جوایز دیگری که بخش خصوصی به کتاب‌های برگزیده اهدا می‌کند. به نظر من، بهتر است اهدای جایزه کتاب سال نیز در اختیار تشکل‌های جدی ادبیات کودکان و نوجوانان، مانند شورای کتاب کودک و انجمن نویسندگان کودکان و نوجوانان، قرار گیرد و از نویسندگان و هنرمندان بیشتری برای داور، استفاده شود.

در چنین شرایطی، این شبهه که جایزه کتاب سال، اعمال نظر شخصی متولیان آن است و یا انتخاب یک کتاب، سلیقه ۵ نفر است که آن‌ها نیز از سوی افراد خاصی انتخاب شده‌اند، از بین می‌رود و جایزه کتاب سال کودک و نوجوان، شأن و اعتبار بیشتری پیدا خواهد کرد.» وی ادامه می‌دهد: «اگر گروهی از متخصصان، در مراحل مختلف داور، حضور داشته باشند و نظرهای مناسب و منطقی و قابل اجرا ارائه دهند، کتاب‌های کودکان و نوجوانان، بازتاب بهتری پیدا می‌کند و اعتراض کم‌تر خواهد شد.»

محمدرضا بایرامی، یکی از داوران بخش کتاب‌های داستانی کودکان و نوجوانان، در این دوره اهدای جایزه کتاب سال بوده است. وی به دلیل این که یکی از کتاب‌هایش به مراحل نهایی انتخاب کتاب سال نزدیک شد، از داور، کناره‌گیری کرد.

بایرامی درباره اهدای جایزه کتاب سال می‌گوید: «به نظر من، در حق کتاب‌های نوجوانان، اجحاف شده است. چند سالی است که کتاب‌های کودکان، کتاب سال می‌شوند. در حالی که چندان کتاب‌های خوبی هم نیستند.» وی همچنین، اظهار می‌دارد: «امسال کتابی که به عنوان کتاب تصویری معرفی شد، یک کتاب مناسب گروه سنی نوجوانان است که از نظر کیفی نیز از کتاب سال بخش کتاب‌های داستانی کودکان و نوجوانان بهتر بود. با وجود آن که چند سال است کتاب‌های کودکان، به عنوان کتاب سال انتخاب می‌شوند، امسال نیز یک کتاب کودکانه در بخش داستان انتخاب شد که از این مسئله، در واقع کم لطفی داوران به کتاب‌های نوجوانان را نشان می‌دهد.»

این نویسنده درباره اهدای جایزه کتاب سال، اظهار می‌دارد: «کتاب سال در هر دوره، یک جور افت و خیز دارد که در داور، این مسئله طبیعی است، اما چون سیاست درازمدت در برگزاری کتاب سال نداریم، در نتیجه هر سال، یک عده برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند؛ مانند لحاف پاره‌ای که هرکس آن را به سمت خود می‌کشد.»

وی می‌افزاید: «در مراحل اولیه داور، کتاب سال این دوره، کتاب‌ها را مطالعه می‌کردم و متأسفانه، اصلاً تعریفی نداشت. حتی برخی از آن‌ها که قبلاً جوایز دیگری گرفته بودند، به نظر من کتاب‌های خوبی محسوب نمی‌شدند. البته نویسنده کودک و نوجوان، در جامعه ما جایگاهی ندارد. بنابراین، نباید انتظار داشت کتاب‌های ارزشمند زیادی داشته باشیم. در مجموع، سطح کتاب‌های نوجوانان، بالاتر از کتاب‌های کودکان بود.»

عرفان نظرآهاری که خود یکی از برگزیدگان این دوره کتاب سال جمهوری اسلامی بوده است، می‌گوید: «همیشه کسانی هستند که این اتفاقات را از دریچه تنگ چشم‌های‌شان می‌بینند و منتظرند دیگران را متهم کنند. این افراد جایزه کتاب سال را با صلح‌ای که محمود غزنوی به عنصری می‌داد، اشتباه گرفته‌اند.»

وی ادامه می‌دهد: «مهم‌ترین مشکل کتاب سال، کم‌لطفی به ادبیات خلاق است. البته در روزگاری که قدر و قیمت هر چند از کتاب و نویسنده بیشتر است، ارج نهادن به کتاب، شاید مانند گل سرخی باشد که بر لبان برآماسیده،



کودکان و کتابی از آقای غفارزادگان را برای نوجوانان انتخاب کرده بودند که به دلیل محدود بودن سهمیه، کتاب کودک به عنوان کتاب سال برگزیده شد. بنابراین، باید با برنامهریزی و سیاست‌گذاری‌های صحیح در معاونت فرهنگی، نسبت به افزایش سهمیه کتاب‌های کودکان و نوجوانان، در کتاب سال اقدام کرد.»

در این دوره از اهدای جایزه کتاب سال، تمام گروه‌های داور کتاب‌های کودکان و

پرتاب می‌شود.»

بایک نیک‌طلب، یکی از داوران بخش شعر کودکان و نوجوانان، درباره وضعیت کتاب‌های شعر این دوره، معتقد است: «داوری کتاب‌های امسال، خیلی سخت بود؛ چون این کتاب‌ها، کارهای سطح بالایی محسوب می‌شدند و مشکلات ظاهری اشعار کم‌تر بود. بنابراین، کتاب‌هایی که به مرحله نهایی رسیدند، رقابت زیادی با هم داشتند. من و آقای رحمان‌نوست و شعبانی نیز کتاب شعر داشتیم که به ناچار، آن‌ها را از مرحله داور حذف کردیم. این یکی از نواقص کتاب سال است: چون داور باید از حق خود بگذرد.»

در این زمینه، سید علی محمد رفیعی، معتقد است: «اگر کتابی از یک داور، در بین کتاب‌های مورد بررسی وجود داشته باشد، باید از داور کمکی برای رأی دادن به آن کتاب دعوت کرد؛ چون اگر آن کتاب از داور حذف شود، اجحاف به حق نویسنده است. اگر هم قرار باشد خود نویسنده و داور به کتاب مورد نظر رأی دهد، این تهمت بر او وارد می‌شود که کتابش را خودش انتخاب کرده است.»

نیک‌طلب هم‌چنین می‌گوید: «اگر هدف کتاب سال، اشاعه فرهنگ و اندیشه است با انتخاب یک کتاب، می‌توان به آن نزدیک شد. از سوی دیگر، باید کتاب‌هایی که انتخاب شده‌اند، با سایر کتاب‌ها فرق داشته باشند. برای مثال، بعد از داور و اهدای جایزه، کتاب‌های برگزیده در مطبوعات نقد یا معرفی شوند و مراکز و سازمان‌های مختلف، آن کتاب را خریداری کنند.»

خوب است کتاب‌هایی که به مرحله نهایی رسیده‌اند نیز معرفی شوند. درست است که این کتاب‌ها انتخاب نشده‌اند، ولی کیفیت آن‌ها خوب بوده است. متأسفانه، کتاب‌هایی که سال‌های گذشته مطرح شدند، به این دلیل که تبلیغ نمی‌شوند، به دست مخاطبان نمی‌رسند.»

سیدعلی کاشفی خوانساری، درباره بیست و یکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی، معتقد است «خوشبختانه از سال گذشته، ادبیات کودک از زیر گروه ادبیات خارج شد. حضور کتاب‌های کودکان و نوجوانان، در ذیل گروه ادبیات، ناشی از یک اشتراک لفظی و برداشت نادرست است. چرا که ادبیات کودکان و نوجوانان، تنها شامل آثار ادبی نیست و به مجموع خواندنی‌های کودکان مثل کتاب‌های علمی و غیرداستانی هم اطلاق می‌شود. از طرفی، امسال در کتاب‌های این دو گروه سنی، چهار کتاب برگزیده و سه کتاب تقدیری داشتیم که در بیست دوره گذشته کتاب سال، بی‌سابقه بود.»

وی می‌افزاید: «امسال، اولین دوره انتخاب کتاب سال نشر الکترونیک برگزار شد که آن‌جا هم یک کتاب تقدیری و یک کتاب برگزیده از میان کتاب‌های الکترونیکی کودکان انتخاب شد. با این حال، هنوز بسیاری از کتاب‌های خوب کودکان و نوجوانان، به دلیل محدودیت سهمیه برای این کتاب‌ها حذف می‌شوند.»

مشاور معاونت فرهنگی در امور کتاب‌های کودکان و نوجوانان معتقد است: «خوب است از سال آینده، سهمیه کتاب‌های کودک و نوجوان از هم جدا شود. برای مثال، امسال داوران گروه داستان، کتابی از خانم قاسم‌نیا را برای

کاشفی:

امسال در کتاب‌های

این دو گروه سنی،

چهار کتاب برگزیده

و سه کتاب تقدیری

داشتیم که

در بیست دوره گذشته

کتاب سال،

بی‌سابقه بود

نوجوانان، به جز بخش علمی، کتابی را به عنوان کتاب سال معرفی کردند، اما داوران کتاب‌های علمی کودکان و نوجوانان، هیچ یک از کتاب‌های منتشر شده در این زمینه را لایق جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ندانستند.

حسین بکایی، سرگروه بخش کتاب‌های علمی، در این باره می‌گوید: «در انتخاب کتاب، دو نظر مطرح است؛ یکی ناظر بر ملاک‌های نسبی است و دیگری ناظر بر ملاک‌های مطلق. از نگاه اول، ما هر سال باید یک کتاب داشته باشیم؛ چرا که در بین مجموعه کتاب‌هایی که وارد جریان داور می‌شوند، بالاخره یک کتاب برتر از کتاب‌های دیگر است. اما از نظرگاه دوم، ممکن است در یک سال، کتابی شایسته انتخاب نباشد و ما کتاب سال نداشته باشیم. نظر من این است که گروه داور باید بین این دو دیدگاه تعادل ایجاد کند. امسال، این تعادل ایجاد شد و نتیجه آن عدم انتخاب کتاب سال در بخش علوم بود.»

بکایی در ادامه می‌افزاید: «مسئله این است که دست‌اندرکاران تولید کتاب‌های علمی، با وجود تعداد قابل توجه عناوین، با این دسته از کتاب‌ها بسیار سهل‌انگارانه برخورد می‌کنند. اول این که کسی روی تولید کتاب‌های تألیفی سرمایه‌گذاری نمی‌کند. بهانه هم این است که تولید کتاب تألیفی، سرمایه زیادی می‌خواهد. پس تعداد کتاب‌های ترجمه، بسیار زیاد می‌شود. دوم این که در این زمینه، مترجمان متخصص دست به کار یا دعوت به همکاری نمی‌شوند. در نتیجه، ترجمه‌ها بسیار پرغلط و سردستی انجام می‌شود. شکر خدا هم که ویراستار علمی نداریم. سهل‌انگاری سوم، در مرحله چاپ اتفاق می‌افتد. انتخاب کاغذ نامناسب، صفحه‌آرایی‌های غلط و چاپ‌های با کیفیت نازل، ملغمه‌ای می‌سازد که حاصل همین می‌شود که می‌بینید.»

بکایی، دلیل انتخاب نکردن کتاب در بخش کتاب‌های علمی را کیفیت نازل ترجمه و کتاب‌سازی می‌داند و می‌گوید: «وقتی یک کتاب ترجمه، به عنوان کتاب سال انتخاب می‌شود، اولین پرسش این است که جایزه به کتاب تعلق می‌گیرد یا مترجم؟ این یکی از نقاطی است که به نظر من روشن نشده است. اگر ما به کتاب جایزه می‌دهیم، باید



بایرامی:
به نظر من،
در حق کتاب‌های
نوجوانان،
اجحاف شده است.
چند سالی است که
کتاب‌های کودکان،
کتاب سال می‌شوند.
در حالی که
چندان کتاب‌های
خوبی هم
نیستند



تشویق شامل حال کتاب شود و اگر به مترجم جایزه می‌دهیم، این جایزه متعلق به مترجم است. آن‌چه از ظاهر کتاب سال برمی‌آید، هدف تشویق مترجم است؛ چرا که به مترجم جایزه داده می‌شود. در این شرایط، یک کتاب خوب که به وسیله یک گروه از نویسندگان نوشته شد و به وسیله یک ناشر با کیفیت بسیار خوب، چاپ شده است، در ایران به وسیله یک مترجم غیرمتخصص و پرغلت ترجمه و با زبان غیرادبی، به حوزه زبان فارسی وارد می‌شود و

سرانجام، ناشری با دست‌کاری لی اوت اصلی و چاپ نامرغوب، آن را به بازار عرضه می‌کند. در این‌جا ضمن احترام گذاشتن به انتخاب مترجم، یک گروه داورى چگونه می‌تواند از کسانی که چنین آسیب‌های سنگینی به یک اثر علمی زده‌اند و حتی عامل غلط‌آموزی شده‌اند تقدیر کند.»

آیا لازم است کتاب سال کودک و نوجوان داشته باشیم؟

همان‌طور که در ابتدای گزارش اشاره شد، بنابر اخبار غیررسمی، امسال در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بحث حذف کتاب‌های کودکان و نوجوانان، از رقابت جایزه کتاب سال مطرح شده بود. ظاهراً استدلال مسئولان این بود که در مقابل یک رمان مثلاً ۵۰۰ صفحه‌ای، نمی‌توان کتاب ۳۲ صفحه‌ای را به عنوان کتاب سال معرفی کرد.

محمدرضا بایرامی، در این باره معتقد است: «اصلاً مهم نیست که کسی جایزه بگیرد یا نه. در واقع، برگزاری مراسم کتاب سال، همان‌قدر ضرورت دارد که نوشتن کتابی برای بچه‌ها.»

علی‌رضا حافظی، با بیان این‌که حجم محدود کتاب‌های کودکان را مخاطبان آن‌ها تعیین کرده‌اند می‌گوید: پرداختن متنی مناسب برای مخاطب کودک و نوجوان و انطباق این متن با ملاک‌ها و معیارهای کتاب‌های کودکان و نوجوانان، کوشش مضاعفی نسبت به خلق یک اثر برای بزرگسالان می‌طلبد.»

وی هم‌چنین، اظهار می‌دارد: «متأسفانه در کشور ما، بخش عمده‌ای از کتاب‌های کودکان و نوجوانان، کتاب‌های

بازاری است. این کتاب‌ها در واقع، کاغذ باطله‌هایی هستند که به عنوان کتاب کودک و نوجوان، به بازار عرضه می‌شوند. البته در داوری کتاب سال، این دسته از کتاب‌ها، مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. بنابراین، می‌توان گفت کتاب‌هایی که در داوری کتاب سال بررسی می‌شوند، منطبق با معیارها و ضوابط خاصی هستند.

حافظی، ضمن بیان این‌که حجم اندک کتاب نباید ما را از اهمیت علمی آن غافل کند، می‌افزاید: «مؤلف برای نوشتن هر کلمه از یک کتاب، داده‌های روان‌شناسی کودک، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، تعلیم و تربیت و در مجموع، دانش‌های مختلف را مد نظر قرار دهد. رمز ناکامی بسیاری از کتاب‌های کودکان و نوجوانان در کشور ما، این است که نویسندگان آن‌ها، بهره‌ای از دانش ماقبل تولید کتاب ندارند.»

سیدعلی محمد رفیعی نیز می‌گوید: «ممکن است این‌گونه برداشت شود که نگارش برای کودکان و نوجوانان، همان نوشته‌های بزرگسالان، اما در سطح نازل‌تر است؛ یعنی خلق یک اثر برای کودک و نوجوان، کار دوباره روی نوشته بزرگسالان است. مثل ترجمه قرآن برای بچه‌ها، اما این تنها بخشی کوچک از کاری است که برای کودک و نوجوان صورت می‌پذیرد. نوع دیگری از کتاب‌های کودکان، بازپرداخت یک پدیده برای بچه‌ها نیست، بلکه نویسنده در نگارش کتاب، خلاقیت خاصی به کار می‌برد.

در هر حال، کار برای کودک و نوجوان، چه محصول خلاقیت باشد، چه بازپرداخت، نویسنده باید شناخت کافی نسبت به کودکان و نوجوانان، زبان، فهم و ویژگی‌های روانی و روان‌شناختی آن‌ها داشته باشد. بنابراین، کسی که برای گروه سنی کودک و نوجوان می‌نویسد، یک نویسنده معمولی نیست. در واقع، اگر سطح او بالاتر از نویسندگان بزرگسال نباشد، پایین‌تر نیست.»

وی پیشنهاد می‌دهد: «نویسندگان و کسانی که برای کودکان و نوجوانان می‌نویسند، باید طرحی توجیهی تهیه کنند و در آن توضیح دهند نوشتارهای مربوط به کودکان و نوجوانان چه ویژگی‌ها، مشکلات و حساسیت‌هایی دارد، تا سیاستگذاران، نویسندگان و مردم بدانند که این کار نباید آسان فرض شود؛ چون نوشتن برای بچه‌ها، سخت‌تر از نگارش برای بزرگسالان است.

دست کم اگر نویسندگان بزرگسال نمی‌پذیرند که کار نویسندگان کودک و نوجوان، دقیق‌تر و علمی‌تر است، حداقل بپذیرند که سخت‌تر است.»

رفیعی، درباره ضرورت وجود جایزه کتاب سال کودکان

رفیعی:

در مرحله گردآوری آثار، باید کاری کرد که

تمام کتاب‌ها گردآوری شوند؛ یعنی داوری براساس تمام کتاب‌های

منتشر شده باشد، نه این‌که فقط کتاب‌های رسیده به

دبیرخانه مورد بررسی قرار گیرد



وی ادامه می‌دهد:
«هر وقت کسی می‌گوید،
نوشتن برای بچه‌ها آسان
است، یک کاغذ و قلم به او
می‌دهم تا یک داستان یا
شعر برای بچه‌ها بنویسد.
متأسفانه، از دید کاسبان،
ارزش کتاب به تعداد
صفحات آن است.»
حسین فتاحی، با بیان
این‌که روحیه کتابخوانی و
مطالعه از کودکی
پایه‌گذاری می‌شود،

و نوجوانان می‌گوید: «آن‌چه به یک اثر اهمیت و ارزش
می‌بخشد، محتوای اثر است، نه حجم آن.
هیچ کس نگفته کتاب ارزشمند، باید حجیم باشد.
ممکن است این شبهه به وجود آید که مثلاً کتابی درباره
هایدگر در دو هزار صفحه، در کنار یک کتاب شعر ۱۶
صفحه‌ای، به عنوان کتاب سال معرفی می‌شود. در حالی
که باید بررسی کرد که آیا در این ۱۶ صفحه، خلاقیتی وجود
دارد یا خیر؟ شاید یک کتاب کم‌حجم، ارزش بیشتری نسبت
به کتاب‌های دیگر داشته باشد. مثلاً شازده کوچولوی
آگزوپری، گلستان و بوستان سعدی، موش و گربه عبید
زاکانی و... حجم کمی دارند، اما نمی‌توان در محتوای
ارزشمند این کتاب‌ها و ماندگاری آن‌ها در قرون و اعصار
شک کرد.»

منوچهر اکبرلو نیز معتقد است: «نویسنده کودک و
نوجوان، در نگارش کتاب باید مسائل بسیاری را رعایت کند.
در حالی که نویسنده بزرگسالان، می‌تواند تجربه‌گرایی کند
و حدیث نفس خود را بنویسد و ممکن است کتاب خوبی هم
شود.»

وی پیشنهاد می‌دهد: «در داوری، کتاب‌های کودکان و
نوجوانان باید از یکدیگر تفکیک شوند: چون در غیر این
صورت، همیشه برخی از کتاب‌ها نادیده گرفته می‌شوند. از
طرفی، اگر قرار باشد کتاب‌های کودکان و نوجوانان، با
کتاب‌های بزرگسالان در یک گروه مورد بررسی قرار گیرند،
همیشه حق نویسندگان کودک و نوجوان از بین می‌رود.»
سیدعلی کاشفی خوانساری، کتاب‌های کودکان و
نوجوانان را پراهمیت می‌داند و می‌گوید: «حدود ۳۰ درصد از
خوانندگان کتاب در ایران را کودکان و نوجوانان تشکیل
می‌دهند و مجموعه کتاب‌هایی که برای این گروه سنی
منتشر می‌شود، با احتساب کتاب‌های کمک درسی - حدود
یک سوم کتاب‌های منتشر شده را دربر می‌گیرد. بنابراین،
باید به این کتاب‌ها توجه شود.»

وی می‌افزاید: «از اولین دوره کتاب سال سلطنتی که
در سال ۱۳۳۲ برگزار شد تا امروز، کتاب‌های کودکان مورد
توجه بوده، اما هیچ‌گاه این جایگاه متناسب با شأن و موقعیت
کتاب کودک نبوده است. این کم توجهی، ناشی از یک
توهم و بدفهمی در مورد ارزش کتاب‌های کودکان است.»
کاشفی خوانساری، با بیان این‌که کتاب‌های منتشر
شده برای کودکان، زمینه‌ساز سلايق و میزان علاقه آن‌ها
به کتابخوانی خواهد بود، اظهار می‌دارد: «در نگاه قدیمی و
سطحی، ارزشمند بودن کتاب، منوط به حجیم بودن آن
است. در حالی که اهل فرهنگ و اندیشه می‌دانند که
نگارش یک کتاب چند صفحه‌ای برای خردسالان، همان
دشواری‌ها و ارزش‌های ادبی یک کتاب پژوهشی و یا رمان
چندجلدی را دارد.»

مصطفی رحماندوست نیز درباره اهدای جایزه کتاب
سال کودکان و نوجوانان می‌گوید: «به دو دلیل باید کتاب
سال کودک و نوجوان داشته باشیم؛ یکی برای رسمیت
دادن به ادبیات کودکان و نوجوانان و دیگری به این دلیل که
نیمی از کتاب‌های منتشر شده، اختصاص به کودکان و
نوجوانان دارد.»

اکبرلو:

ناشران دولتی

مانند نشر تربیت،

مدرسه، سروش،

سوره و... مجوز نشر

دارند و برای

چاپ کتاب‌های شان،

از طریق وزارت ارشاد

اقدام نمی‌کنند.

بنابراین،

کتاب‌های منتشر شده

توسط این ناشران

معمولاً به دست داوران

نمی‌رسد

می‌گوید: «یکی از راه‌های اهمیت دادن به کتاب کودکان و
نوجوانان، اهدای جایزه کتاب سال و توجه به کتاب کودک
است.»

عرفان نظرآهاری، انتخاب کتاب سال کودک و نوجوان
را ارج نهادن به این گروه سنی می‌داند و می‌گوید: «اگر
معیار انتخاب کتاب سال، خط‌کش و ترازو باشد، کتاب‌های
کوچک و کودکانه را نمی‌توان همسنگ کتاب‌های
بزرگسالان قرار داد، اما باید چشم‌هایمان را بشوییم و باور
کنیم که برای داشتن باغی بارور، نیازمند کاشتن نهالی
مناسب هستیم. از طرف دیگر، نباید فراموش کنیم که قلب،
چشم و گوش نیز کوچک هستند.»

حسین بکایی نیز معتقد است: «مشکل کتاب سال،
اختلاط در حوزه کودک و نوجوان است که ملاک‌های
ارزش‌گذاری و سنجش یکسان نیست. در کتاب‌های
بزرگسال، مثلاً در بخش علمی، به طور طبیعی، هدف
ایده‌آلی ما تشویق کسی است که یک نظریه جدید علمی
داده و یا کشف تازه‌ای کرده باشد. طبیعی است که چنین
انسان متفکر و پیشرویی، شایسته تقدیر و تشویق است.
اما در حوزه کتاب‌های کودک، هدف، بیان نظریه تازه یا
اعلام کشف تازه‌ای نیست، بلکه هدف قابل فهم کردن و
رساندن یک مفهوم علمی یا معرفی کردن ساده یک
کشف علمی به مخاطب خاص است. بر این اساس، برای
سنجش در این دو حوزه، ما باید ملاک‌های متفاوتی داشته
باشیم.»

وی همچنین می‌افزاید: «مخاطب یک کتاب علمی
بزرگسال، مثلاً در زمینه آبخیزداری، یک گروه خاص است
و هر چقدر بحث علمی‌تر، دقیق‌تر و نظری‌تر باشد، مخاطب
آن، خاص‌تر و محدودتر می‌شود. در حالی که مخاطب
مجموعه کتاب‌های علمی کودک و نوجوان، همه کودکان و
نوجوانانی هستند که بالقوه می‌توانند این کتاب را بخوانند.
از این جاست که وقتی بحث کتاب کودک و نوجوان مطرح
می‌شود، همه به دنبال آن جوه سنتی قابل پیشرفت در
مسائل علمی می‌گردند. در حالی که نوآوری، خلاقیت،
کشف و ابداع در کتاب‌های علمی کودک و نوجوان، از نوع
دیگر و به شکل دیگری است که باید به آن نوع و شکل،
شناخته و ملاک‌های ارزش‌گذاری و انتخاب، براساس این
شناخت استوار شود.»